

مقایسه جنگ جهانی در ژاپن با جنگ تحمیلی از نظر یک ژاپنی

یامامورا عقیده دارد که عراق به تنهایی این جنگ را تحمیل نکرده بلکه یک جهان پشت سنگرهای صدام، علیه ایران اسلامی می‌جنگیدند و رزمندگان ایرانی با غیرت و با امداد امام زمان(عج) در برابر آنها دفاع کردند.

وی می‌گوید: «به یاد دارم که چگونه پیر و جوان و زن و مرد دوشادوش هم متحد شدند و هشت سال حماسه دفاع مقدس را رقم زدند. زنان در پشت جبهه کار پشتیبانی انجام می‌دادند که من هم یکی از آنها بودم، در دانشگاه علم و صنعت جمع می‌شدیم و از خیاطی و دوخت و دوز لباس‌های رزمندگان گرفته تا پختن مربا و بسته‌بندی آذوقه برای جبهه‌ها، شبانه‌روز کار می‌کردیم.

وی در مقایسه جنگ جهانی دوم در ژاپن و هشت سال دفاع مقدس در ایران می‌گوید: «هرچند آوارگی و شاید رگه‌هایی از تحمیل را در بین این دو جنگ بتوان یافت، اما جنگ جهانی دومی که من در سنین هفت و هشت سالگی در ژاپن تجربه کردم و به جهت اقدامات پیشگیرانه دولتی جهت حفظ جانمان از موشک‌باران وحشتناک مجبور به مهاجرت به شهرستان‌ها شدم، هیچ گاه شباهت زیادی به آنچه در جنگ ایران و عراق شاهد آن بودم نداشت. یکی از دلایل اصلی جنگ در ژاپن فقر و تنگ دستی بود، اما این دلایل در هشت سال دفاع مقدس رنگی از ارباب نداشت.

وی ایوانزاویلا:

جنگی در کار نبود و هرآنچه بود دفاع بود، که آن هم نه دفاع مسلحانه امروزی بلکه دفاعی معنوی و از قضا با دست‌هایی خالی بود.

شهیدی که مادر ژاپنی پرورش داد

شهید محمد بابایی در سال ۱۳۶۲ در عملیات «الفجر یک» در منطقه فکه به شهادت رسید. مادرش می‌گوید: محمد برای بار اول در سن ۱۸ سالگی به جبهه رفت و در عملیات مسلم بن عقیل شرکت کرد، محمد هنگام شهادت ۱۹ ساله بود.

وی ادامه می‌دهد: پسر بزرگم تازه وارد دانشگاه شده بود که از طریق جهاد دانشگاهی وارد جبهه شد. سلمان از ناحیه فک مجروح شده بود، او که برگشت محمد که در رشته مهندسی دانشگاه علم صنعت قبول شده بود، در جبهه حاضر شد.

وی می‌افزاید: «زمانی که خواست به جبهه برود از آقای حمیدی پیش نماز مسجد انصارالحسین اجازه گرفت. من هم می‌دانستم اینها امانتی در دست ما هستند و ما باید آنها را تربیت کنیم و تحویل دهیم، چه بهتر که آنها را با شهادت تحویل دهیم چرا که شهید شدن وظیفه مسلمانان و بالاترین مقام است. محمد به خواست خدا عمل کرد و من هم

خوشحال شدم چرا که به دستور قرآن عمل کرد. ما در آیات قرآن می بینیم که مسلمانان اگر زیر ستم باشند وظیفه شان کمک به اسلام و دفاع از آن است و در زمان جنگ هم رزمنده ها و شهدا و خانواده هایشان به این دستور اسلامی عمل کردند.

کونیکو یامامورا که مدرس رشته های هنری است به یاد می آورد: روزی در مدرسه بودم، حالت خاصی داشتم ودلم گرفته بود. در کلاس درس و در حضور دانش آموزان اشک هایم بی اختیار از چشمتان می ریخت.

نمی دانستم چرا آنقدر نا آرام بودم، اما بعد که خبر شهادت محمد را دادند لحظه شهادت و تاریخ آن با روزی که من در کلاس دگرگون شده بودم یکی بود، یکی از دوستان محمد که از ابتدایی با هم بودند و حتی با یکدیگر به جبهه راهی شدند خبر شهادت او را آورد. همسنگرش می گفت که آنجا سنگری نبود فقط یک بیابان بود، حتی نتوانسته بودند سنگری بسازند. شهید احمد نصراللهی برای من تعریف کرد که محمد در عملیات والفجر شهید شد. محمد با یک ترکش خمپاره شهید شد که به سرش اصابت کرده بود.

وداع آخر

وی در پایان می گوید: یک هفته پس از شهادت پیکرش را به خانه آوردند، محمد آخرین باری که می خواست به جبهه برود خواست تا موی سرش را اصلاح کنم، وقتی تمام شد من را در آغوش گرفت و بوسید و بیشتر از همیشه تشکر کرد. در ذهن من هنوز بچه بود، محصل مقطع دبیرستان بود، وقتی قامتش را از روی صندلی بلند کرد هیکل یک مرد رشید به چشمم آمد و بی اختیار از چشمتان می ریخت (حافظان بود ..)